



بررسی علل طلاق در جامعه و تبیین نقش طلاق در بزهکاری زنان

محمد پناهی^۱

۱. دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی المصطفی (ص) - افغانستان.

چکیده

طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است که بر جامعه آثار شومی برجای می‌گذارد، طلاق و فروپاشی کانون خانواده معضل اجتماعی است که پیامدهای آن از مشکلات بزرگ جوامع کنونی به‌شمار می‌رود ولی در شرایط حاضر به‌صورت متداول‌ترین راه حل یک ازدواج ناموفق درآمده است. امروزه در ایران شاهد افزایش برخی از معضلات اجتماعی هستیم و طلاق از جمله معضلاتی است که افزایش آن طبق آمارهای نگران‌کننده رسمی و غیررسمی و اظهاراتی که توسط مسئولین دادگاه خانواده ارائه شده شکل چشمگیر و خطرناکی به خود گرفته است. طلاق یک آسیب اجتماعی تلقی می‌شود که ریشه در تغییر و تحولات گوناگون اجتماعی، فرهنگی، زیستی دارد و می‌تواند زمینه‌ای باشد برای فرار و فساد اخلاقی و باتوجه به پیش‌دآوری منفی جامعه نسبت به زنان مطلقه می‌توان مشکلات اجتماعی و اقتصادی را نیز به آن افزود که می‌توان با انتخاب صحیح همسر و به‌کار بردن آموزه‌های اسلامی در زندگی از این پیامدهای شوم جلوگیری کرد.

کلیدواژه‌ها: طلاق، فرار از خانه، مشکلات اقتصادی، اعتیاد، فساد اخلاقی.

مقدمه

در متون مختلف دین مبین اسلام تأکید شده که زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده‌اند؛ پیوند آن‌ها که همان ازدواج است دارای فواید مختلف جسمی، روانی، تکاملی، اجتماعی و دینی است تا بدان حد که در احادیث با نصف دین برابر شمرده شده است. خانواده امکانی را فراهم می‌سازد که فرد هم از نظر جسمی و زیستی و هم از لحاظ عاطفی-روانی و شخصیتی تأمین شود؛ اما با وجود این کارکردهای خانواده، متأسفانه این نهاد در حال فروپاشی است. در این تحقیق در سه گفتار، طلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات و مشکلات جامعه، مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به علل فردی، خانوادگی و اجتماعی طلاق؛ مانند مشکلات اقتصادی، عدم تناسب سنی، اعتیاد و سوء ظن و بدبینی، پرخاشگری، هوسرانی... و به پیامدهای و آثار سوء طلاق در زنان؛ مانند فساد اخلاقی، فرار از خانه، ارتکاب جرم و... پرداخته است.

۱. تعریف طلاق

ابتدا به تعریف طلاق در لغت و اصطلاح می‌پردازیم.

طلاق در لغت جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی (عمید، ۱۳۶۰: ۷۷) و به معنای رهایی از قیدوبند است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۳: ۱۸۲).

در اصطلاح فقهی به معنای ازاله دادن به عقد ازدواج می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۲: ۳۱۳). هو ازاله القید النکاح به غیر عوض بصیغه طالق (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۳۱). بدون تردید در هیچ آیینی به اندازه اسلام بر استحکام نظام خانواده تأکید و پافشاری نشده است. اسلام برای لحظه‌لحظه زندگی زناشویی دستورالعمل‌هایی ارائه نموده است تا با عمل کردن به آن‌ها خطرات و تهدیدها برطرف شود. محبوب‌ترین بناها در اسلام پیمان مقدس ازدواج است و منفورترین چیز نزد پروردگار، خانه‌ای است که با طلاق و جدایی از هم فروپاشد.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل واعز من التزویج» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۲۲۲) در اسلام بنایی ساخته نشد که نزد خدای عزوجل محبوب تر و ارجمندتر از ازدواج باشد؛ و نیز آن حضرت فرمود: «ما منشیء ابغض الی الله عزوجل من بیت یخرب فی الاسلام بالفرقة» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۷۸). هیچ چیز نزد خدای عزوجل مبعوض تر از خانه‌ای که در اسلام با جدایی ویران شود نیست.

پس از ازدواج و شروع زندگی، ممکن است عواملی به وجود آید و این بنای محبوب پروردگار را به منفورترین امور تبدیل کند. شناخت این عوامل و جلوگیری از به وجود آمدن آن‌ها می‌تواند نویدبخش خانواده‌ای سالم و ارزشمند باشد.

۲. علل طلاق

در شکل‌گیری طلاق، عوامل مختلفی نقش دارند که به صورت فردی و خانوادگی و اجتماعی قابل تفکیک‌اند.

۲-۱. علل فردی

۲-۱-۱. بیکاری و عدم مسئولیت مرد

کار کردن هم وسیله‌ای برای تأمین نیازهای زندگی و هم یکی از عوامل در ایجاد اعتماد به نفس و سربلندی افراد به‌شمار می‌رود. یکی از علل و عوامل مؤثر اقتصادی در وقوع طلاق بین زوجین مسأله بیکاری مردان است که سبب بسیاری از دعوا و کشمکش‌های خانوادگی و جدائی مابین آن‌ها گشته است و بیکاری عامل بسیاری از فسادها، انحرافات و سایر نابهنجاری‌های اجتماعی می‌باشد (پورصادق کردی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

۲-۱-۲. عدم تناسب سنی

فاصله سنی زیاد بین زن و مرد سبب دوری افکار روحیه و اذهان و خاسته‌های آن‌ها نسبت به یکدیگر می‌شود (همان: ۵۲). بحث سن از این رو حائز اهمیت

است که بسیاری از جهات زیستی و جسمانی خانواده تحت تأثیر سن زوجین و احتمالاً فاصله سنی آنان قرار می‌گیرد؛ لیک تأثیر سن تنها در این محدوده باقی نمی‌ماند هر مقطع سنی با خود باری فکری و فرهنگی دارد (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۷۱).

۲-۱-۳. مشکلات اقتصادی

زوجینی که تحت فشار روانی اقتصادی هستند با انواع مسائل در حال مبارزه‌اند و در طول زمان وجود فشارهای مالی ارتباط زن و شوهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فشارها می‌تواند باعث گوشه‌گیری، فشار عاطفی و افسردگی در افراد شود هم‌چنین فقر باعث کاهش عزت نفس مرد می‌شود و در نتیجه سبب بروز استبداد یا واکنش‌های مایوس‌کننده نسبت به دیگران از جمله همسر می‌شود و این مسائل باعث تشدید تنش‌های زناشویی می‌شود (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰: ۱۲).

۲-۱-۴. انتظارات نامعقول

زن و شوهر باید از همدیگر توقعات مشخص و در حد توان داشته باشند؛ چون بلندپروازی‌های نامعقول در هر زمینه که باشد باعث اختلاف شدید شده و منجر به جدائی می‌گردد. پس باید دقت کرد که اگر می‌خواهیم در زندگی‌ها طلاق نباشد علل طلاق را باید برطرف کرد تا جامعه و خانواده‌ها گرفتار نتایج زیان‌بار طلاق نشود و مسئولین با برنامه‌ریزی اساسی به این مسأله توجه داشته باشند (اشرفی، ۱۳۸۴: ۲۵).

۲-۱-۵. بی‌توجهی به خواسته‌های یکدیگر

زن و شوهر، دارای خواست‌ها و نیازهایی هستند که خداوند رفع بعضی از آن‌ها را در طرف مقابل قرار داده و بی‌توجهی هرکدام از زوجین نسبت به این نیازها می‌تواند زمینه را برای اختلافات بزرگ فراهم سازد.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفس‌ها» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۲۳)؛ سزاوار نیست که زن خود را [برای

شوهر] بی‌زیور و بی‌پیرایه کند.

از طرف دیگر به مرد دستور داده شده تا نیازهای عاطفی همسر خود را با نشستن نزد او برآورده نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «جلوس المرء عند عیاله احب الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا» (ورام بن فراس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۲۲). نشستن مرد نزد زن و فرزندش، نزد خدای متعال از اعتکاف در مسجد من محبوب‌تر است. همچنین در دستورات اسلامی به مردها نیز سفارش شده که خود را برای زنان خود آراسته کنند.

حسن بن جهم می‌گوید: «رایت ابا الحسن علیه السلام اختضب، فقلت: جعلت فداک اختضبت؟ فقال: نعم، ان التهیئة مما یزید فی عفة النساء ولقد ترک النساء العفة بترک ازواجهن التهیئة، ثم قال: ایسرک ان تراها علی ما تراک علیه اذا کنت علی غیر تهیئة؟ قلت: لا. قال: فهی ذاک» (کلینی، ۱۴۲۲، ج ۱۱: ۳۱۰) ابوالحسن علیه السلام را دیدم که خضاب کرده است، عرض کردم: فدایت شوم، خضاب کرده‌ای؟ فرمود: آری، آراستگی مردان بر عفت زنان می‌افزاید، زنان ترک عفت کرده‌اند، چون شوهران‌شان آراستگی را ترک نموده‌اند سپس فرمود: اگر آراسته نباشی آیا خوش داری که همسرت را نیز مانند خود ببینی؟ عرض کردم نه. فرمود: او نیز چنین است.

۲-۱-۶. بد اخلاقی نسبت به یکدیگر

در حدیثی بسیار ارزشمند از امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین می‌خوانیم: «من ساء خلقه مله اهل» (شامی، ۱۴۲۰: ۳۷۴) آن‌که بد اخلاق باشد، خانواده‌اش از او دل‌تنگ و بیزار می‌شوند.

بسیار طبیعی است که بسیاری از بیزاری‌ها و دل‌تنگی‌ها در نهایت به طلاق و جدایی منجر خواهد شد، مگر اینکه به بهترین وجه جبران گردد. بد اخلاقی در خانه علاوه بر آثار سوئی که بر زندگی مشترک می‌گذارد، مجازات الهی را نیز به دنبال خواهد داشت. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بعد از دفن یکی

از اصحاب خود به نام سعد بن معاذ فرمود: فشاری (از طرف قبر) بر او وارد آمد. علت را جویا شدند، آن حضرت فرمود: چون با خانواده اش کمی کج خلق بود (کلینی، پیشین، ج ۳: ۲۳۶).

۲-۱-۷. پرخاشگری

پرخاشگری انسان که ناشی از یک واکنش کلی در برابر ناکامی های زندگی است گاهی در درون وی سرکوب می شود که از نظر سلامت روان بسیار نامطلوب و خطرناک است و گاهی به صورت انتقادهای شدید بازو و خورد و فحاشی بروز می کند. متأسفانه چون بر اثر عدم شناخت طرفین در ابتدای زندگی، احساس منفی پرخاشگری درک نمی شود، پس از گذشت مدتی کشمکش، طرف مورد پرخاش برای رهایی از نزاع های پی در پی تن به جدایی می دهد. اگر طرفین یکدیگر را درک کنند، مسأله به مرور برطرف خواهد شد، به طور مثال مرد بر اثر عدم توانمندی در محیط کار، از طرف کارفرما سرزنش می شود و با احساس شدید ناکامی وارد محیط منزل می گردد؛ در نتیجه بهانه جویی می کند و بگومگوهای طرفین آغاز می شود. اگر همسر با اندکی حوصله و تحمل بتواند ریشه پرخاشگری شوهر را دریابد، سریعاً چاره اندیشی نموده، با مهربانی و عذوفت قضیه را حل می کند؛ اما اغلب مسائل این گونه حل نمی شود بلکه خود خانم که طی روز از فعالیت درون منزل و گاهی هم فعالیت خارج از منزل خسته است در پی دفاع برمی آید؛ پرخاش طرفین به یکدیگر و کشمکش ها آغاز می شود و در این میان فرزندان بی گناه قربانی می شوند زیرا ادامه بی رویه این امر طلاق را به دنبال دارد.

در خانواده هایی که این گونه نزاع ها ولو خفیف تر همواره وجود داشته باشد، نسلی ترسو، مضطرب، ناامید و ضعیف النفس پرورش می یابد. اگر هر یک از طرفین اندکی بیندیشند و مجسم نمایند که پس از هرگونه رفتاری که از وی سرزند، طرف مقابل چه واکنشی را نشان خواهد داد و پس از آن چه خواهد گذشت، جلوی خیلی از اتفاقات ناگوار گرفته می شود، ولی متأسفانه بدون اندکی اندیشه، همان واکنش های سریع به هنگام برخورد ها مرتباً توسط زن یا مرد تکرار

می‌شود و هر بار شدت خشونت رفتار و واکنش‌های منفی طرفین افزون‌تر می‌شود به‌طوری‌که چاره کار را فقط در جدایی می‌بینند.

۲-۱-۸. روابط جنسی نامناسب

مسائل جنسی یکی از اساسی‌ترین ارکان زندگی زوجین به‌خصوص در ابتدای زندگی مشترک آن‌هاست و باید مورد توجه جدی قرار گیرد تا طرفین احساس کنند که این‌گونه تماس‌ها صمیمیت میان آن‌ها را بالا می‌برد، از درگیری‌های اضافی می‌کاهد و گاه به قهر و بداخلاقی‌های رایج بین زوجین خاتمه می‌دهد. با نظر به اینکه اعمال جنسی و ارضای آن به‌عنوان رفتاری هستی‌بخش بر مغز اثر می‌گذارد و نوعی آرامش و شادکامی ایجاد می‌کند بنابراین نباید به آن به چشم عملی تفریحی نگاه کرد. باید با اطمینان‌گریز جنسی را جزء الزامات زندگی مشترک به حساب آورد. در طول فقدان آن به‌صورت مرتب زوجین ضربه روحی را در درازمدت احساس خواهند کرد بی‌آنکه بدانند این ضربه‌ها از چه نقطه‌ای وارد شده است. آمارها نشان می‌دهد که یک ارتباط جنسی مناسب ۶۰ تا ۷۰ درصد باعث بهتر شدن زندگی زناشویی می‌گردد و متأسفانه بسیاری از طلاق‌ها به دلیل نداشتن یک ارتباط جنسی مناسب است و لازم است هر فردی در مورد روابط جنسیتی دانش و اطلاعات کافی داشته باشد (آذر و سیما، ۱۳۸۷: ۳۱).

بر اساس تحقیق صورت گرفته دکتر سید کاظم فروتن و همکار وی، سهم مسائل جنسی در طلاق‌های انجام‌شده در دادگاه‌های خانواده بالاست که البته به بهانه‌های مختلفی غیر از مسائل جنسی صورت می‌گیرد. چراکه عوامل مختلفی از جمله شرم و حیا غالباً مانع از طرح این موضوع به‌عنوان علت اصلی و زمینه‌ساز طلاق می‌شود (فروتن و تقوی، ۱۳۹۰: ۲۸).

اسلام برای پیش‌گیری از وقوع این امر به بانوان توصیه می‌کند که بهترین لباس‌های خود را در منزل بپوشند، طبق دلخواه شوهر، خود را آرایش کنند و در معرض دید او قرار دهند. هم‌چنین به مردان توصیه می‌کند که نظافت و

پاکیزگی را رعایت کنند و به اصلاح سروصورت خود برسند و در منزل نیز زیبا زندگی کنند (امینی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

۹-۱-۲. بیماری‌های جسمی

این موضوع هم از دیگر عوامل طلاق است. خوشبختانه رأفتی که در خانواده‌های مسلمان وجود دارد، تداوم بخش زندگی زناشویی است؛ به‌ویژه اگر بیمار، شوهر باشد زن نهایت گذشت و فداکاری را نشان می‌دهد. ولیکن گاه فقر شدید مانع گذشت می‌گردد. متأسفانه طبق آمار به‌دست آمده^۱ ۵۷، ۷۵ درصد طلاق‌ها بر اثر بیماری نازایی زن بوده است. عطف و گذشت زن اغلب مانع از تقاضای طلاق می‌گردد و لیکن در مورد مردان این مسأله کمتر صدق می‌نماید؛ حتی دیده‌شده به خاطر فرزند، مرد به ازدواج دوم و حتی سوم روی آورده است که غرور زن مانع از ادامه زندگی او شده است و در این حالت زن تقاضای طلاق می‌کند.

۱۰-۱-۲. اعتیاد

یکی دیگر از عوامل مهم جدائی زن و شوهر اعتیاد یکی از زوجین است. این عامل مهم، اغلب موجب توسل به طلاق بخصوص از طرف خانم‌ها می‌شود. اعتیاد شوهر به مواد مخدر الکلی و... باعث می‌شود که در اثر اعتیاد علاوه بر سلامت جسمی سلامت روحی و اخلاقی خود را از دست داده و به فردی لاقید و بی‌بندوبار و بی‌مسئولیت مبدل شود که هیچ اعتبار و آبرویی برای خود و خانواده خود قائل نبوده و زندگی را برای زن و فرزندان غیرقابل تحمل می‌سازد (قهرمانی، ۱۳۸۵: ۵۷).

۱۱-۱-۲. سوءظن و بدبینی

ظن و بدبینی یکی از شایع‌ترین عوامل طلاق است. بدبینی یا به‌قولی بددلی عارضه‌ای کاملاً روانی و نشأت گرفته از روح و روان بیمار و ضربه خورده است مردی که به همسرش بدبین است و دائماً تصور می‌کند که همسرش به او

۱. اداره آمار قضایی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۶۰

خیانت می‌کند در درونش از حادثه یا حوادثی رنج می‌برد که تداعی‌کننده چنین تفکری است مثلاً ممکن است در گذشته زندگیش اتفاق ناگواری احساسات او را جریحه‌دار کرده باشد و آثار این حادثه امروز او را نسبت به همه و حتی همسرش بدبین کرده باشد (صفایی، ۱۳۷۰: ۱۱).

۲-۱-۱۲. نداشتن شناخت کافی از یکدیگر

افرادی که به‌قدر کافی باهم مراوده و رفت‌وآمد نداشته باشند و علایق طرف مقابل را نشناخته‌اند و فقط از روی احساس و هیجان وارد زندگی مشترک می‌شوند در زندگی با کوهی از مسائل و مشکلات روبه‌رو می‌شوند که توانایی حل آن‌ها را ندارند (آذر، پیشین: ۲۲).

۲-۱-۱۳. ضعف یا فقدان مبانی اعتقادی زن و شوهر

گاه اتفاق می‌افتد زن به هیچ‌چیز و هیچ‌کس معتقد نبوده و یا شوهر از هیچ معنویتی برخوردار نیست و آنچه مورد توجه زن یا شوهر بوده تنها تمتع و کام‌جوئی می‌باشد آن‌ها مفهوم عالی ازدواج را که اتحاد دو انسان برای تشریک‌مساعی و تشکیل یک زندگی مشترک و کوشش در تعلیم و تربیت فرزندان برومند می‌باشد درک نکرده‌اند. وقتی پایه‌گذاران کانونی چنین ارجمند و پرارزش آن‌چنان افراد بی‌اعتقاد و کام‌جو و لذت طلب باشند کمترین مخاطره و کوچک‌ترین عواقب شومی که می‌توان بر این پیوند نامقدس بار کرد و منتظر تحقق آن بود طلاق و جدائی است (حقانی زنجانی، ۱۳۷۱: ۹۵).

۲-۱-۱۴. مشاجرات لفظی

مشاجرات لفظی و نزاع‌ها یکی از عوامل بسیار مهم در طلاق نزاع‌ها و کشمکش‌های زوجین بر اثر عدم درک متقابل و درعین حال پایین بودن سطح فرهنگ آن‌هاست، به‌ویژه آنکه زن در این راستا به استقلال اقتصادی نیز رسیده باشد. متأسفانه ۵۷ درصد طلاق‌هایی که اداره آمار دادگستری منتشر کرده است، به علت عدم تفاهم در خانواده‌های کارمندان و کارگران بوده است (ساروخانی،

۱۳۷۶: ۵۹؛ که نیاز به تحقیق و مطالعه بیشتری دارد.

۱-۱۵. افت اعتقادات مذهبی در خانواده‌ها

ازدواج از دیدگاه سنتی به عنوان نهادی مقدس و پیوندهای زناشویی آن چنان قدسی لحاظ می‌شد که مردم پیمان ازدواج را به عنوان یک امر شرعی و دینی انجام می‌دادند اما در دوران معاصر، رشد فرهنگ مادی‌گرایی و حرص و ولع خانواده‌ها برای افزایش ثروت و دارائی مادی چنان آن‌ها را به خود مشغول کرده است که از پرداختن به امور معنوی و عاطفی اعضای خانواده بازمانده‌اند.

۱-۱۶. تجمل‌گرایی

یکی از عوامل مهمی که از آغاز زندگی مشترک می‌تواند بنیان خانواده را بر هم بزند، توقعات نامحدود و حاکم شدن روح تجمل‌پرستی و اسراف است. تجمل‌گرایی به این معنا و مفهوم است که برخی از زنان و مردان به‌طور دیوانه‌وار به اسباب و لوازم و وسایل زندگی دل‌بستگی پیدا کنند.

طبق تحقیقات بیشتر گرایش افراد به تجمل‌گرایی و تجمل‌پرستی در میان زنان و دختران جوان در جوامع صنعتی و شهرهای بزرگ نمایان می‌گردد که با ورود کالا از کشورهای مختلف به‌خصوص کشورهای اروپائی به ایران در هر زمینه‌ای که باشد به شکل فجیعی خودنمایی می‌کند. افراط در خرید وسایل، موجب بحران اقتصادی خانواده و از طرفی نیز ضعف و سستی کانون خانواده‌ها می‌گردد (پورصادق‌کردی، پیشین: ۱۰۸) تنها عامل بازدارنده در این مورد، ایجاد و تقویت روحیه قناعت و پرهیزکاری است. از امام علی علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «انعم الناس عیسا من منحه الله سبحانه القناعة واصلح له زوجه» (تمیمی آمدی، ۱۳۱۰: ۴۰۵). خوش‌ترین زندگی را کسی دارد که خداوند سبحانه قناعت را ارزانش دارد و همسرش را برای او شایسته گرداند.

۱-۱۷. هوسرانی و توجه نامشروع به خواسته‌های نفسانی

هر چه انسان بیشتر در کام شهوات گرفتار شود، بیشتر در معرض تباهی و

نابودی قرار می‌گیرد و به تدریج به جایی می‌رسد که به هیچ وجه به هشدارهای پی‌درپی عقل توجه نمی‌کند و بسیاری از جدایی‌ها ناشی از بی‌توجهی به هشدارهای عقل است. شهید مرتضی مطهری سخن بسیار ارزشمندی در این زمینه گفته است که به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه‌های خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد. اسلام تدابیری برای رام کردن و تعدیل این غریزه اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است. خلاصه این دستور این است که زن و مرد [نامحرم] نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه‌گری و دل‌ربایی نپردازند و موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم نسازند شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود، بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد، به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۱۴۳۷).

گناهان و هوسرانی‌ها عواقب بدی در پی خواهند داشت. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام فرمودند: «کم من نظره ورثت حسره طویل» (احمد بن محمد، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۰۹) ای بسا نگاهی [از روی هوی و هوس] که حسرتی طولانی را

به بار آورده است.

درجایی که حجاب (و شرایط دیگر اسلامی) رعایت شود تعلق خاطر زن و شوهر نسبت به یکدیگر بسیار بیشتر است تا جامعه‌ای که در آن بی‌بندوباری شیوع دارد. این نکته نیز قابل تأمل است که هوسرانی چه از طرف زن و چه از طرف مرد دارای برخی آثار وضعی و قهری است.

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «عفوا عن نساء الناس یعف عن نسائکم» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۶۶) نسبت به زنان مردم عقیف باشید تا نسبت به زنان شما عفت ورزند.

۲-۱-۱۸. تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارها

انسان همواره در زندگی شخصی و اجتماعی خود، از ارزش‌ها و هنجارهای ثابتی پیروی نمی‌کند، بلکه این امر نیز مانند بسیاری امور دیگر در معرض تغییر و تحول است. گذشت زمان و یا حتی تغییر مکان و شرایط خاص اجتماعی دیگر از جمله عوامل تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها است. در ابتدای زندگی، چیزهایی برای ما ارزش به‌شمار می‌رود که شاید بعدها جاذبه خود را از دست بدهد.

عمده‌ترین عامل تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها «ارتباطات» است. نقش وسایل ارتباطی در تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها و تزریق هنجارها بسیار مؤثر است.

به‌عنوان مثال، کسی که ابتدا تحصیلات عالی برایش ارزشمند نبوده و بر همین اساس، به ازدواج در سطح ابتدایی راضی شده است، حال اگر در فرایند تغییر ارزش‌ها، تحصیلات عالی و مدرک برایش ارزش محسوب شود، قادر به ادامه زندگی نیست. زیاد مشاهده شده است که یکی از زوجین با کسب مدرک بالاتر، تقاضای طلاق کرده است، به ادعای این که دیگر این زوج (زوجه) کفو او نیست. اگر هنجارهای زوجین باهم تفاوت داشته باشد، مثلاً زوج فردی باشد اهل جود و بخشش و در مقابل، دیگری ممسک و بخیل، در این حالت، احتمال کشمکش و گسستگی خانواده زیاده‌تر است تا موقعی که هنجارها باهم تطابق دارند.

به نظر بعضی از جامعه شناسان، از جمله عمیق ترین علل طلاق، پیدایش بحران در ارزش ها و هنجارها است. هنگامی که انسان ها صرفاً به تمتع می اندیشند و فقط مصالح خویش را در نظر می آورند، در چنین جامعه ای پدیده ازدواج نیز مستثنا نخواهد بود و شمار طلاق در آن افزون خواهد شد (شعاع کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۵۵).

۲-۱-۱۹. استقلال مالی زن

یکی از مسائلی که می تواند به عنوان زمینه طلاق عمل کند «استقلال مالی زن» است. وقتی زن می بیند که به لحاظ مالی به شوهرش وابسته نیست و خود می تواند از راه کسب و کار، خود را تأمین کند و از سوی دیگر، با گرفتن مهریه خود تا حدی از این راه مشکل خود را حل نماید، هم چنین می بیند یا بچه دار نشده است (خواسته یا ناخواسته) و یا تعداد کمی بچه دارد، در این وضعیت، چندان رغبتی به زندگی ندارد و با کم ترین بی توجهی و بروز مشکل از سوی شوهر به سوی دادگاه روانه می شود؛ یعنی وقتی تعهد اخلاقی به زندگی نداشته باشد، کوچک ترین عامل و زمینه ای می تواند در مواقع بحرانی، مانند یک جرقه عمل کند و خانواده را از هم بپاشد (همان: ۳۵۸).

۲-۱-۲۰. لجبازی زن و شوهر

لجبازی صفتی ناپسند و کودکانه است که متأسفانه برخی انسان ها آن را یادگار از گذشته به همراه دارند. لج و لجبازی نشان دهنده ضعف قوای عقلانی و برخورد منطقی است که باید با آن مبارزه کرد و ریشه اش را در درون خشکانید. لج و لجبازی هرگز نمی تواند دردی از درد هارا درمان کند بلکه مشکلی بر مشکلات دیگر می افزاید و در اکثر موارد در زندگی زناشویی صدمات غیرقابل جبرانی به بار می آورد (نیازی و صدیقی ارفعی، ۱۳۹۰: ۸۶).

۲-۱-۲۱. عدم استقلال اقتصادی در زندگی (فکری و مالی)

هر مردی در دوران زندگی باید از نظر فکری و مالی دارای استقلال باشد بدین معنا که اول گوش به دهان دیگران نسپارد و قبل از پذیرش آن را با میزان عقل

بسنجد و دوم از بعد مالی به خود تکیه داشته باشد. در زندگی زناشویی نباید تحت تأثیر حرف‌های دیگران قرار گرفت به‌طوری‌که حتی خط‌مشی هم برای ما تعیین کنند. باید با صبر و متانت به سخنان دیگران گوش فراداده و به آنان احترام گذاشت اما شنونده باید عاقل باشد و همیشه تمامی گفته‌ها را قبل از پذیرش از غربال اندیشه عبور دهد و در صورت صحت آن را بپذیرد (همان: ۸۷).

۲-۱-۲۲. ازدواج اجباری

یکی دیگر از عوامل طلاق‌زا ازدواج اجباری است که بعضی از دختران قربانیان اصلی آن هستند. این آسیب اجتماعی گریبان گیر ۶۰ درصد دختران و پسران جوامع روستایی و عشایری و نیز دامن گیر ۲۰ درصد از جوانان شهرستانی شده و آن‌ها را تسلیم خاسته‌های والدین‌شان می‌کند (همان: ۹۵).

۲-۱-۲۳. فقدان فرزند

یکی از کارکردهای مهم خانواده تولیدمثل مشروع است. تنظیم روابط جنسی و زادوولد از وظایف مهم خانواده است (کوئن، ۶۰: ۱۳۷۲). معمولاً کانون خانواده باوجود فرزندان، گرم نگه‌داشته می‌شود. بسیاری از خانواده‌ها، به‌خصوص از ناحیه زنان، به دلیل وجود فرزند، علاقه‌ای به جدایی ندارند و اگر وجود فرزندان در خانه نباشد، قادر به ادامه زندگی نیستند.

بی‌فرزند و کم‌فرزند موجب ناپایداری خانواده می‌شود. چنانچه درون خانواده ستیز و مشاجره وجود داشته باشد، اگر پدر و مادر از هم جدا شوند، بچه‌ها راحت‌ترند، اما بسیاری از خانواده‌ها به خاطر بچه‌های‌شان به زندگی ناگوار خود ادامه می‌دهند؛ بنابراین، وجود فرزندان یکی از عوامل جلوگیری از طلاق است (فرجاد، ۱۳۷۲: ۶۰).

در فرهنگ عامیانه ما کسی را که دارای فرزند نیست در اصطلاح «اجاق‌کور» می‌نامند. دوام و بقای زندگی خانوادگی چنین شخصی در معرض خطر است؛ بنابراین، خانواده‌ای که باوجود فرزند گرم نشده است، از دو نوع خانواده دیگر

بیش‌تر در معرض گسست قرار دارد (کوئن، پیشین: ۱۳۳).

۲-۲. علل خانوادگی

۲-۲-۱. دخالت دیگران

دخالت دیگران به‌ویژه خانواده‌ها که هرچند معمولاً نوعی مصلحت‌اندیشی است زیرا نسل مسن‌تر به دلیل نگرش‌ها و ارزش‌های خود ناچار از راهنمایی نسل جوان‌تر است اما معمولاً برچسب‌های، مادرزن، مادر شوهر، پدرزن، پدرشوهر و مانند آن این راهنمایی‌ها را به لباس مبدل نشان می‌دهد و مایه رنجش زن و شوهرهای جوان می‌شود که گاه طلاق از پیامدهای آن است (ستوده، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

زوجین به‌طور معمول از دخالت در زندگی و حریم شخصی‌شان رنجیده می‌شوند زیرا افراد چنین امری را نمی‌پسندند که دیگران در اموری که جزو زندگی و حریم شخصی آنان بوده و فقط به خودشان مربوط است دیگران از آن مطلع شده و یا در آن دخالت نمایند.

عمده‌ترین دلایلی که باعث می‌شود مداخله اعضای خانواده اصلی همسر مشکل‌آفرین شود به شرح ذیل است:

- الف. خانواده‌ها به‌طور معمول به جانب‌داری از عضو خانواده خویش می‌پردازند.
- ب. حریم شخصی همسر توسط خانواده طرف مقابل مورد تعدی قرار می‌گیرد.
- ج. حل مشکلات همسران کاری تخصصی است و هر فردی از عهده انجام آن بر نمی‌آید.
- د. افراد به میزانی که از رشد رفتاری و شخصیتی برخوردار باشند کم‌تر اجازه مداخله به دیگران در زندگی‌شان را می‌دهند.
- ذ. گاهی این مداخله‌ها حتی بدون رضایت عضو خانواده انجام می‌شود.
- ر. مداخله در زندگی همسران به گسترده شدن درگیری می‌انجامد (کاوه، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

۲-۲-۲. دوستی‌های خانوادگی

گاهی دوستی‌های زوج‌های جوان با دیگر دوستان و یا افراد مجرد به قدری از حد اعتدال خارج می‌شود که منجر به ایجاد زمینه‌های گناه و در نتیجه طلاق می‌گردد؛ به‌ویژه آنکه در این گونه روابط مسأله حسادت اطرافیان و دوستان نیز افزوده شود.

۲-۲-۳. بیماری‌های لاعلاج اطفال

متأسفانه هنگامی که معلول جسمی یا ذهنی در خانواده متولد می‌گردد، زوجین به شدت احساس گناه نموده و هر یک سعی دارد دیگری را عامل معلولیت فرزند معرفی کند؛ در عین حال همه افراد خانواده را ترک کرده تمام توجه خویش را به کودک معلول معطوف می‌سازد. این امر معمولاً در مادر بیشتر دیده می‌شود به طوری که همسر و دیگر فرزندان را فراموش می‌کند. پس از گذشت زمان ناچار شوهر برای کسب محبت به دنبال پناهگاه دیگری می‌گردد و متأسفانه خود عاملی برای جدایی می‌شود.

۲-۳. علت اجتماعی

۲-۳-۱. وسایل ارتباط جمعی

جامعه‌شناسان یکی از عوامل اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری را رسانه‌های همگانی می‌دانند. تحت تأثیر این رسانه‌هاست که عقاید و افکار عمومی شکل می‌گیرد و مخاطب اصلی و طرفداران آن‌ها جوانان هستند؛ بنابراین کمتر پدیده اجتماعی و جنبه‌های زندگی انسانی را می‌توان یافت که تحت تأثیر مثبت یا منفی وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها قرار نگرفته باشد. در این بین پدیده طلاق نیز مستثنی نیست؛ عملکرد منفی این وسایل عبارت است از عطش نوحوهی و تجددطلبی به شکلی که از همین ناحیه ضربه‌های فراوانی بر خانواده وارد می‌نماید. در کنار این مسأله فشار روحی و هیجاناتی که از تماشای این فیلم‌ها ناشی می‌شود عقده‌های ناشی از دیدن این فیلم‌ها را بر خانه و خانواده تحمیل

خواهد کرد. تحت تأثیر عمیق رسانه‌هاست که ارزش‌ها تغییر می‌کند و تغییر ارزش‌ها یکی از زمینه‌های اجتماعی طلاق است (حاجی حسینی شاهرودی، ۱۳۸۰: ۸۵).

۳. پیامدهای طلاق

طلاق موجب به وجود آمدن انحرافات اخلاقی در زنان می‌شود که به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

۳-۱. فساد اخلاقی

از آنجاکه یکی از کارکردهای خانواده، ارضاء تمایلات جنسی بوده است با فروپاشی خانواده، فرد با فقدان ارضا، جنسی مواجه می‌شود چنانچه فرصت ازدواج و تمتع جنسی از طریق مشروع میسر نشود و فرد چنین نیازی را به دلیل تجربه جنسی قبلی شدیدتر از گذشته احساس نماید به‌سوی انحرافات جنسی و فساد اخلاقی کشیده می‌شود. احتمال وقوع این شرایط علی‌الخصوص زمانی که فرد با مشکلات اقتصادی و تأمین معاش دست‌به‌گریبان باشد شدت می‌یابد و فرد مطلقه را به‌سوی مفاسد مالی و اخلاقی سوق می‌دهد (مجبی، ۱۳۸۰: ۸).

۳-۲. فرار از خانه

طلاق واژه‌ای است که ذهن بسیاری از کودکان و نوجوانان را به خود مشغول می‌کند. آنان خود را نخستین قربانیان این عفریت عصیانگر می‌دانند. به‌بیان دیگر طلاق آثار مخرب معنوی و مادی زیانباری در پی دارد که بارزترین نتیجه آن از نظر کمی و کیفی بر روی کودکان است.

بی‌گمان بعضی از بزهکاران جوان متعلق به خانواده‌هایی می‌باشند که دچار تعارض و کشمکش‌های خانوادگی و اختلالات روانی و عاطفی هستند، وجود تنش‌هایی روانی و اختلالات عاطفی در خانواده کودک می‌تواند او را وادار به فرار از خانه نماید تا با گروه بزهکاران همکاری و تشریک‌مساعی نماید. در روانشناسی جنایی، بروز انحرافات اجتماعی یا جامعه‌زدگی و تشکیل گروه

آسیب دیدگان اجتماعی، ثمره جراحی عاطفی کودکان در خانواده‌های طلاق تشخیص داده می‌شود.

۳-۳. مشکلات اجتماعی

در پژوهش‌های انجام‌شده در دهه ۹۰، مشخص شد که افراد مطلقه در مقایسه با افراد متأهل، سطوح پایین‌تر سلامت روانی نظیر شادی کمتر، پریشانی روانی بیشتر و خود پنداره‌ی ضعیف‌تری را نشان داده‌اند و با افزایش علائم افسردگی، مصرف الکل، کاهش شادی، تسلط و پذیرش خودرو به رو هستند. علاوه بر آن، پژوهش‌ها نشان داده که سطح انزوای اجتماعی افراد مطلقه بیش‌تر از افراد متأهل است (آماتو، ۱۳۸۰: ۲۹).

۳-۴. مشکلات اقتصادی

مهم‌ترین مشکل زن پس از طلاق مسأله اقتصادی است این موضوع برای زنان کم‌سواد و فاقد مهارت به‌صورت حادثری جلوه می‌کند و از دیگر مشکلات زنان مطلقه تهیه مسکن و مکانی برای زندگی است کمتر کسی حاضر است به یک زن مطلقه اتاقی اجاره دهد (محبی، پیشین: ۸) و مشکلات مالی خود سرآغاز رود به بسیاری از جرائم است.

۳-۵. صدمات روحی و جسمی زن پس از طلاق

دوره بلافاصله بعد از جدائی برای اکثر افراد یک دوره تضاد و دوگانگی عاطفی و تغییرات خلقی شدید است خشم و تأسف به نحوی نومیدانه با نفرت و عشق در هم می‌آمیزد (معنوی و فدائی، ۱۳۶۲: ۴۳).

از میان زنان مورد مطالعه حدود ۸۰٪ پس از جدائی درگیر مشکلات روحی و جسمی و یا هر دو بوده‌اند از این عده حدود ۸۵٪ به ناراحتی‌های روحی و فقط ۱۵٪ به صدمات جسمی اشاره کرده‌اند پیشنهاد طلاق از طرف هر یک از زوجین چه همراه با رضایت یا عدم رضایت زن موجب لطمه روحی زنان شده است صدمات روحی ناشی از طلاق به مراتب فراوان‌تر از صدمات جسمی است (فرجاد، ۱۳۷۲: ۱۶۴).

نتیجه گیری

طلاق معلول یک علت تنها نیست بلکه علل متفاوتی در به وقوع پیوستن آن نقش دارند که برخی از این علل مربوط به قبل از ازدواج و عدم شناخت و یا عدم دقت در انتخاب شریک زندگی است و برخی هم مربوط به بعد از ازدواج؛ مانند عدم درک متقابل، مشکلات اقتصادی، انتظارات نامعقول در زندگی، بی توجهی به خواسته‌های یکدیگر، رعایت نکردن اخلاق اسلامی و یا روابط خارج از عرف دینی می‌باشد.

صرف نظر از علل، این پدیده شوم می‌تواند آثار زیان‌بار و ویران‌کننده‌ای را بر پیکره اجتماع وارد کند و اولین قربانی این پدیده شوم زن مطلقه می‌باشد که طلاق می‌تواند زمینه‌ساز ورود او به بسیاری از جرائم باشد.

و می‌توان با انتخاب صحیح و عقلانی و قرار دادن معیارهای دینی به عنوان معیارهای اصلی در ازدواج و انتخاب همسر و رعایت اخلاق و دستورات اسلامی از گسترش طلاق و پیامدهای ناگوار آن بر خانواده و جامعه جلوگیری کرد.

منابع

فارسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۳.
۲. اشرفی، پروین، چرا طلاق؟ تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۴.
۳. امینی، ابراهیم، آشنایی با وظایف و حقوق زن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، دوم، ۱۳۸۶.
۴. آذر ماهیار؛ نوحی، سیما، دایرةالمعارف اعتیاد و مواد مخدر، تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۸۷.
۵. آماتو، پل، پیامدهای طلاق برای کودکان و بزرگسالان، ترجمه مهناز محمدی زادگان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۰.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، دوم، ۱۳۷۱.
۷. بروجردی، آقا حسین، جامع الأحادیث شیعه (للبروجردی)، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۸. پورصادق کردی، علی، بررسی علل و عوامل طلاق، شیراز، انتشارات کوشا مهر، ۱۳۸۸.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۴۱۰.
۱۰. حاجی حسینی شاهرودی، حسن، بررسی جامعه‌شناختی پدیده طلاق، نشریه معرفت، شماره ۴۵، شهریور ۱۳۸۰.
۱۱. حسینعلی قهرمانی، پیامدهای اجتماعی طلاق، سطح ۳ حوزه علمیه خراسان.

۱۲. حسینی، سید محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲.
۱۳. حقانی زنجانی، حسین، طلاق یا فاجعه انحلال خانواده، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سوم، ۱۳۷۱.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۷.
۱۵. ساروخانی، باقر، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۶.
۱۶. ستوده، هدایه الله، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران، انتشارات آوای نور، سیزدهم، ۱۳۸۹.
۱۷. شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمه اللهامیم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۰.
۱۸. شعاع کاظمی، مهرانگیز، آسیب های اجتماعی (نوپدید)، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۹۱.
۱۹. صفائی، مسعود، ریشه های طلاق، مشهد، انتشارات موسسه موعود، ۱۳۷۰.
۲۰. عاملی، یاسین عیسی، اصطلاحات الفقهیه فی رسائل العملیه، بیروت، انتشارات دارالبلاغه، ۱۴۳۱.
۲۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، شانزدهم، ۱۳۶۰.
۲۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین وبصیره المتعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵.
۲۳. فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی خانواده و طلاق، تهران، نشر منصوری، دهم، ۱۳۷۲.
۲۴. فرجاد، محمد حسین، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
۲۵. فروتن، سید کاظم؛ اخوان تقوی، محمد حسین، بررسی نقش سلامت

- جنسی در خانواده ایرانی، ماهنامه قضاوت، شماره ۷۱، مرداد و شهریور ۱۳۹۰.
۲۶. کاوه، سعید، بهداشت روانی طلاق، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۶.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی (ط-دارالحديث)، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹.
۲۸. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی؛ رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار (ط- بیروت)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳.
۳۰. محبی، سیده فاطمه، آسیب‌شناسی اجتماعی زنان (طلاق)، کتاب زنان، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۸۰.
۳۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
۳۲. معنوی عزالدین؛ فدائی فرید، ازدواج و طلاق از دیدگاه روان‌پزشکی، تهران، انتشارات شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۲.
۳۳. نیازی محسن، صدیقی ارفع فریبرز، جامعه‌شناسی طلاق، تهران، انتشارات سخنوران، ۱۳۹۰.
۳۴. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰.
۳۵. هنریان، مسعود، یونسی سید جلال، بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، ماهنامه قضاوت، شماره ۷۰، خرداد و تیر ۱۳۹۰.